

پیام تند تهران به خلیج فارس

برای رسیدن به جزایر ایرانی باید از میان دریایی از خون عبور کنید!

در حالی که چین می‌کوشد خود را به عنوان بازیگری کلیدی در معماری جدید امنیتی و اقتصادی خاورمیانه تثبیت کند، هم‌زمان با تلاش برای تعمیق روابط ایران و عربستان، اختلافات قدیمی تهران و ابوظبی بار دیگر به سطح آمده است. مواضع سرسختانه ایران درباره جزایر سه‌گانه، حمایت آشکار امارات از سوی برخی بازیگران بین‌المللی و پیام‌های متناقض یکن، تصویری پیچیده از توازن قدرت، دیپلماسی و رقابت ژئوپلیتیکی در خلیج فارس ترسیم می‌کند؛ جایی که گذشته حل نشده و آینده در حال شکل‌گیری، هم‌زمان با یکدیگر برخورد می‌کنند.

چین میانجی ایران و عربستان

رویتزر مدعی شد؛ وانگ یی وزیر امور خارجه چین، در چارچوب سفری به خاورمیانه که از امارات متحده عربی آغاز شده و قرار است در اردن پایان یابد، روز یکشنبه در ریاض با جاسم محمد البدیوی، دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس، دیدار کرد. او همچنین به‌طور جداگانه با مقام‌های ارشد عربستان سعودی نیز ملاقات داشت. هدف از این سفر تقویت معادلات اقتصادی و همچنین ایجاد بستری پویا برای تحقق تجارت آزاد میان چین و این کشورها بود. وانگ یی افزود دستیابی به یک توافق موفق تجارت آزاد، «پیامی قوی به جهان درباره دفاع از چندجانبه‌گرایی» ارسال خواهد کرد و تأکید کرد چین از تقویت استقلال راهبردی، هماهنگی بیشتر و پیشبرد روند همکاری در میان کشورهای عضو این بلوک حمایت می‌کند. در این سفر چین حمایت خود را برای تقویت روابط میان ایران و عربستان اعلام کرد و تحقق این رویداد را نکته‌ای مثبت برای تقویت امنیت و ثبات در خاورمیانه معرفی کرد. به دنبال این رویکرد هفته گذشته، سومین نشست سه‌جانبه ایران، عربستان سعودی و چین در تهران برگزار شد تا به دنبال آن یکی از مهم‌ترین فصل‌های جدید در مسیر شکل‌گیری معماری نوین امنیت و دیپلماسی در غرب آسیا اتفاق بیفتد. این نشست ادامه روندی است که از اسفند ۱۴۰۹ آغاز شد؛ زمانی که ایران و عربستان پس از شش سال قطع رابطه، با میانجی‌گری چین در یکن توافق آشتی امضا کردند و مسیر بازگشت به دیپلماسی را در پیش گرفتند. چین تأکید کرد که همچنان در کنار تهران و ریاض خواهد ماند و از گام‌هایی که دو کشور برای توسعه روابطشان برمی‌دارند، حمایت می‌کند. نشست سوم تهران از این منظر اهمیت ویژه‌ای دارد که نشان می‌دهد مسیر میانجی‌گری چین و روند تنش‌زدایی ایران و عربستان نه تنها متوقف نشده بلکه وارد مرحله نهادسازی، عملیاتی‌سازی و ایجاد سازوکارهای پایدار شده است. همان‌گونه که نخت روانچی در آغاز نشست تأکید کرد، هدف امروز تنها حفظ توافق یکن نیست، بلکه تبدیل آن به الگویی برای همکاری منطقه‌ای و تقویت اعتماد متقابل است.

رقیق روزهای دشوار؟

با این حال وانگ یی، وزیر امور خارجه چین در ادامه سفر خود به کشورهای حوزه خلیج فارس با مقامات امراتنی دیدار کرد. در این سفر وزیر امور خارجه چین طی بیانیه مشترک ادعایی با امارات حق مالکیت این کشور بر جزایر سه‌گانه ایرانی را برای چندمین بار متوالی تأیید کرد. ادعایی که با واکنش از جانب مقامات ایرانی روبه‌رو شد. اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت امور خارجه با اظهار تأسف از اصرار امارات بر بهره‌برداری اشتباه از حضور هر هیات دیپلماتیک در این کشور جهت طرح ادعای ارضی علیه ایران، تکرار ادعای بی‌اساس و نادرست در مورد جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک در بیانیه پایانی سفر وزیر امور خارجه چین به امارات را محکوم کرد. اوایل این هفته، علی اکبر ولایتی، مشاور ارشد رهبری در امور بین‌الملل، با صدور پیامی تند، امارات را به مطرح کردن «ادعاهای استعماری بی‌اساس» درباره جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی متهم کرد. بیانیه او که توسط خبرگزاری مهر منتشر و به‌طور گسترده در رسانه‌های ایرانی باز نشر شد، بسیاری فراتر از یک موضع‌گیری معمول دیپلماتیک بود. این اظهارات در واقع کفرخواستی علیه سیاست خارجی امارات، نقش این کشور در منازعات منطقه‌ای و به‌طور ضمنی، هم‌سویی راهبردی آن با ایالات متحده به شمار می‌رفت. این نوسان بار نیست که مسأله این جزایر به عنوان نمادی از تنش‌های ژئوپلیتیک دوباره مطرح می‌شود. اما زمان‌بندی، لحن و شرایط کلی منطقه باعث شده این دور از تنش‌ها معنادارتر از همیشه باشد. در عمق ماجرا، این اختلاف صرفاً یک دعوی حقوقی بر سر مالکیت نیست؛ بلکه پنجره‌ای است به نحوه نگاه دو کشور به خودشان در خاورمیانه‌ای که به سرعت در حال تغییر است.

جزایر سه‌گانه؛ خط قرمز

به نوشته امواج مدیا، ایران این موضوع را «خط قرمز» غیرقابل مذاکره می‌داند که اجماعی فراگیر در داخل کشور از آن پشتیبانی می‌کند. هم‌زمان، شورای همکاری نیز همچنان از ادعاهای امارات حمایت می‌کند. بیانیه ۴۶ نشست شورای همکاری خلیج فارس، که در ۱۲ آذر در منامه صادر شد، شش بند را به مناقشه بر سر ابوموسی و تنب بزرگ و تنب کوچک اختصاص داد. این سند ادعایی این جزایر را «جزئی جدایی‌ناپذیر» از قلمرو امارات می‌نامد و ایران را به دلیل آنچه اقدامات تحریک‌آمیز توصیف شده، محکوم می‌کند. این بیانیه‌ی کم‌سابقه و تند، تمامی اقدامات ایران در این جزایر را «باطل و بی‌اثر» اعلام کرد. همچنین از تهران خواست به پیشنهادهای امارات برای مذاکرات مستقیم یا دوری در دیوان بین‌المللی دادگستری به منظور تعیین مالکیت این سرزمین‌ها پاسخ دهد. پس از جنگ خلیج فارس در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۱، امارات امیدوار بود ایران موضع خود را تعدیل کند، اما اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، به‌طور مشهور اعلام کرد که این جزایر تنها «از میان دریایی از خون» به امارات خواهد رسید. این جمله هنوز هم درک امارات از ایران را شکل می‌دهد.

دکتر حیدر مستخدمین حسینی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

هنوز مسیر تصمیم‌گیری اقتصادی مشخص نیست

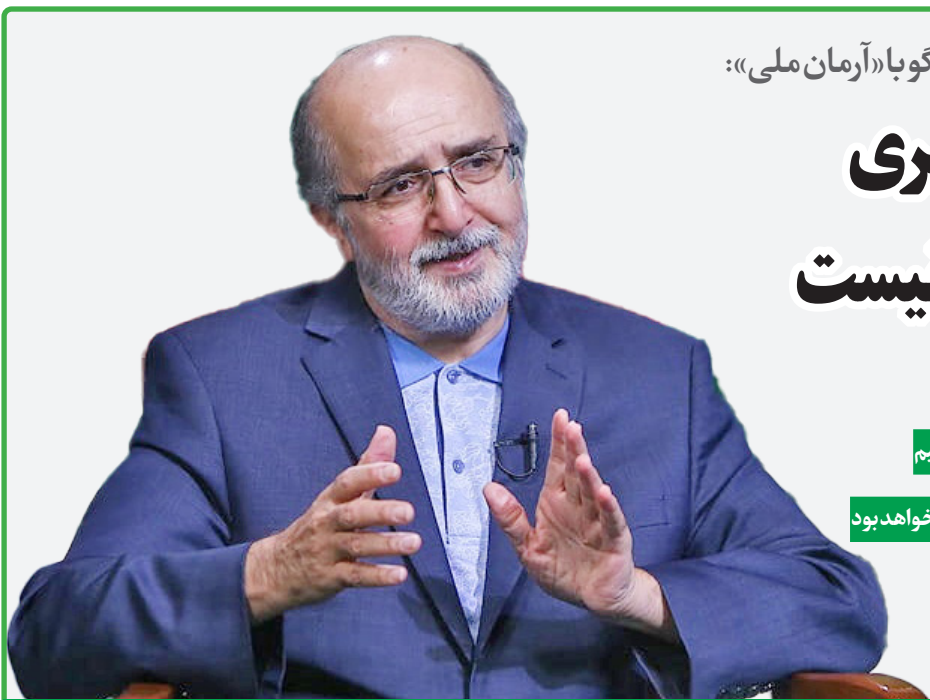


هنوز نمی‌دانیم در تصمیم‌گیری اقتصادی به کدام طرف حرکت کنیم

چند نرخی شدن قیمت سوخت با پیامدهای نامطلوبی همراه خواهد بود

چند نرخی شدن بنزین سیگنال مشخصی به تولیدکننده

و مصرف‌کننده نمی‌دهد



تخلّفات ایجاد کند که خود هزینه‌های اداری و اجرایی بالایی به اقتصاد تحمیل می‌کند. این وضعیت با اصل ساده‌سازی سیاست‌های قیمتی و شفافیت بازار در تضاد است.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر حیدر مستخدمین حسینی، اقتصاددان درباره دلایل گران‌های اخیر و پیامدهای افزایش قیمت بنزین در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. مستخدمین حسینی در این گفت‌وگو به مهم‌ترین پیامدهای چالش برانگیز افزایش قیمت بنزین اشاره کرده که در ادامه می‌خوانید.

تبعات اقتصادی قابل توجه و بعضاً پرهزینه‌ای به همراه داشته باشد. این وضعیت حتی می‌تواند پیامدی غیرمستقیم نیز داشته باشد.

یکی از دلایل نهادینه شدن تورم این است

که جزء کشورهای در حال توسعه هستیم

و یکی از ویژگی‌های کشورهای در حال

توسعه تورم قبل از رسیدن به ثبات در

توسعه است، دلیل وجود تورم ساختار

اقتصادی متغیر است

برجای می‌گذارد. از یک سو پایین نگه داشتن قیمت بنزین از طریق نظام‌های چند نرخی فشار مضاعفی بر بودجه دولت وارد می‌کند و امکان تأمین مالی پایدار را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر افزایش ناگهانی یا غیر شفاف قیمت‌ها می‌تواند به تشدید انتظارات تورمی و بی‌ثباتی در بازارها منجر شود. در واقع چند نرخی شدن بنزین دقیقاً در میانه این دوگانه قرار می‌گیرد. سیاستی که نه یارانه را به‌طور کامل هدفمند می‌کند و نه سیگنال قیمتی روشنی به مصرف‌کننده و تولیدکننده می‌دهد.

این ابهام در چشم‌انداز پیش رو و تصمیم‌گیری چه پیامدهایی برای بنگاه‌های اقتصادی خواهد داشت؟

در چنین فضایی بنگاه‌های اقتصادی به ویژه در بخش‌های حمل و نقل، توزیع کالا و خدمات شهری با چارند تصمیمات خود را بر مبنای دیدبانه‌ترین سناریوی قیمتی تنظیم کنند. زمانی که تورم نرخ‌ها به‌ویژه اگر بدون چشم‌انداز روشن و سامان‌بندی مشخص اجرا شود پیام بی‌ثباتی در سیاستگذاری اقتصادی به فعالان اقتصادی مخابره می‌کند. این موضوع می‌تواند تصمیم‌گیری تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران را با نااطمینانی بیشتری مواجه کرده و هزینه برنامه‌ریزی بلندمدت را افزایش دهد. نکته دیگر اینکه چهار نرخی شدن بنزین باعث است سازوکارهای کنترلی گسترده‌تری برای تفکیک مصارف تخصیص سهمیه‌ها و مقابله با تخلّفات ایجاد کند که خود هزینه‌های اداری و اجرایی بالایی به اقتصاد تحمیل می‌کند. این وضعیت با اصل ساده‌سازی سیاست‌های قیمتی و شفافیت بازار در تضاد است.

تجربه بین‌المللی نشان می‌دهد چند

نرخی بودن سوخت پیامدهای نامطلوب

به همراه دارد. در کشورهایی مانند ونزوئلا

و نیجریه قیمت‌های متفاوت بنزین به

شکل‌گیری گسترده رانت، قاچاق داخلی

و اتلاف منابع عمومی منجر شد

حسن بهشتی پور مطرح کرد:

فعلا خبری از جنگ نیست

طرف در رویکردهای خود تجدید نظر نکنند، انتظار توافقی جدید واقع‌بینانه نیست. اما این به معنای کنار گذاشتن مذاکره نیست؛ بلکه به معنای ضرورت طراحی چارچوبی دقیق‌تر، شفاف‌تر و قابل راستی‌آزمایی است برای اینکه تنش کنونی مدیریت شود. یکی از ضعف‌های تاریخی بسیاری از توافقات بین‌المللی، نبود سازوکارهای روشن برای اجرای تعهدات، نظارت بر پایبندی و تعیین هزینه نقض توافق است. باید توافق به گونه‌ای تنظیم شود که اگر طرف مقابل به تعهدات خود عمل نکرد، از پیش مشخص شود چه اقداماتی انجام خواهد شد. باید توجه داشت که مذاکره موفق تنها محصول گفت‌وگو نیست، بلکه نتیجه طراحی دقیق سازوکارهای اجرایی بعد از توافق است.» این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی همچنین بیان کرد: ایران در سال‌های

پرهزینه ندارد؛ جنگی که می‌تواند مسیر توسعه اقتصادی و ثبات منطقه‌ای را مختل کند. آمریکا هم درگیر اولویت‌های داخلی و رقابت‌های ژئوپلیتیک با چین و روسیه است و از هرگونه درگیری جدید در خاورمیانه پرهیز می‌کند.» وی عنوان کرد: در شرایط کنونی، دیپلماسی نه یک انتخاب لوکس، بلکه ابزار ضروری مدیریت بحران است. اگر تنش‌ها مهار نشوند، حتی احتمال‌های پیش‌است و گفتن این‌ها در صورت جنگ پایگاه‌های منطقه را می‌رنیم به نوعی برای بازآرندگی است. واقعیت این است که اسرائیل درگیر بحران‌های داخلی، فشارهای بین‌المللی و محدودیت‌های عملیاتی، گشودن جبهه‌ای جدید علیه ایران، ریسک‌هایی دارد که تل‌آویو در این مقطع توان مدیریت آن را ندارد. ایران نیز با وجود آمادگی دفاعی، تمایلی به ورود به جنگی

یادداشت

لویاتان قدرت در ایران



محمد آخوندپور امیری

پژوهشگر مسائل ایران

بیش از یکسال از انتخابات ریاست جمهوری در ایران گذشته و در گوشه و کنار کشور، برخی زمره‌ها مبنی بر اعلام پیشیمانی عده‌ای از حامیان و رای دهندگان به مسعود پزشکیان به گوش می‌رسد. این افراد عموماً در پی عذرخواهی از کسانی‌اند که آنها را به رای دادن به آقای پزشکیان ترغیب کرده‌اند. در این میان پرسشی فلسفی و به غایت مهم ذهن آدمی را ساخت به خود مشغول می‌دارد: آیا به راستی پشیمان شدگان، بنابر درک و تحلیلی عمیق به این نظر رسیده‌اند که رای به پزشکیان از اساس اشتباه بوده و یا این سرخوردگی و سرافکندگی، نتیجه علل و عوامل دیگری است؟ اگر تحولات چند دهه‌ای جامعه ایران را (از منظر جامعه‌شناسی تاریخی و روانشناسی سیاسی، به خوبی رصد کنیم، مشاهده می‌کنیم که سرخوردگی و اعلام پیشیمانی از حمایت از یک کاندیدای خاص که در میدان مبارزه سیاسی، گوی سبقت را از دیگر رقبای خود برده و به ریاست جمهوری تکیه زده، به کرات و در دوره‌های مختلف قابل ردیابی است. در این میان، این پرسش مطرح می‌شود که چرا و چگونه جامعه ایران، در دوره‌های مختلف، دچار وضعیتی مشابه می‌گردد. به دیگر سخن آنها به سرعت با رفتاری که بیشتر برگرفته از رویکردهای احساسی (و نه علمی-عقلانی) است، با ابراز پشیمانی از کنشی جمعی که از خود نشان داده، گویی درصدد تبریئه خود از قضاوتی تاریخی است. به تعبیری دیگر در میدان هیجان زدگی ایام انتخابات، برای خود آنچنان نقش تاریخی منصور است که گویی حساسه‌ساز سرنوشتی فرخنده در سپهر سیاسی آینده کشور، خود خواهد بود؛ اما در اندک زمانی به سرعت دچار سرخوردگی، افسردگی و رخوت سیاسی می‌گردد. اگر با دقت نظر موشکافانه‌ای به این پدیده تکرار شونده در تاریخ معاصر ایران‌یان نیک بنگریم، دلیل این عارضه را نباید در بلوغ سیاسی و با تحلیل رفتارهای کاندیدای دروز و رئیس‌جمهور امروز از سوی این کنشگران جست‌وجو کنیم. برای فهم این مسئله باید به دلایل عمیق‌تر شکل‌گیری این عارضه در سطوحی چندلایه پرداخت. سید حسن تقی‌زاده، نماینده مجلس اول، دوم، پنجم و... مشروطه‌در خاطرات خود باگزمی‌کند که از همان مجلس اول مشروطه، بارها از ضرورت توجه به مسئله فرهنگ برای رشد فکری جامعه ایرانی سخن گفته‌ام، اما بارها از سویی همکاران خود مورد مواخذه قرار گرفتم که ای بابا، کار فرهنگی زمان بر است و حالا حالاها جواب نمی‌دهد. همین شاهد تاریخی نشان می‌دهد که ما عموماً جامعه کوتاه‌مدت بوده‌ایم. رئیس‌جمهور و یا هر مسئول دیگری را همچون نسخه شفابخشی یافته‌ای که قرار است به طرفه‌العینی تمامی مشکلات سرزمینمان را مرتفع و در جایگاه منجی ما،ز سرنوشتی شوم قرار گیرد، شاید این تصور از ذهنیت اسطوره‌پرداز و آرمان‌گرای ایرانی نشأت بگیرد، اما منشأ آن هرچا که باشد، بارها و بارها نمونه‌های سرخوردگی، افسردگی و خزیدن در لایه‌های عزلت و تنهایی را برای جامعه فراهم ساخته است. چنانچه با نگاهی نظریین و پرسشگر گر به رویدادها بنگریم، پی‌وخودم برد که چارچوب‌ها و ساختارهای نظام قدرت در ایران، به شکلی پیوسته نه در یک وضعیت دموکرات، بلکه در موقعیتی شبه دموکراتیک بر سر برده است. شبه‌دموکراتیک بودن عرصه سیاست به این معناست که شمارد قالب ساختارهای سیاسی و قاعده‌های بازی سیاست، نمودهای رنگ باخته‌ای از بازی دموکراسی (همچون نظام انتخاباتی، احزاب، تشکل‌ها و نهاد‌های مدنی و...) را مشاهده خواهید نمود و ما به‌ای بیرونی آن را می‌توانید بیابید. اما در میدان عمل، موانع ساختاری، به‌ویژه ترمزی در جهت تحقق بسیاری از خواست و اراده جامعه عمل خواهد کرد. طراحان بازی قدرت در طول تاریخ مدرن شده ایران، همواره بهره‌گیری از این ابزارهای دموکراسی خواهانه را در قالب محدودیت‌های سازمان یافته و ساختاری، آنچنان تنگ و محصور نموده‌اند که عملاً کارکردی مورد انتظار رانمی‌توان از این ابزارها انتظار داشت در واقع ساختارهای نظام قدرت در ایران، همواره در پی آن بوده که صورتی ظاهری و نزار از اهرم‌های مشروعیت بخش را بگونه‌ای به عاریت بگیرد که هم بتواند توجیهی بر مشروعیت و پایبندی خود به الزامات دموکراتیک را بر ذهن جامعه القا نماید و هم با شکل دهی به بازی سیاست براساس قاعده‌های از پیش تعیین شده در طبق قانون، نتیجه را در ید قدرت خود محصور نماید. در چنین وضعیتی، از نهاد ریاست جمهوری و شخص رئیس‌جمهور، ماکتی خوش رنگ و لعاب باقی خواهد ماند که چنانچه معتبرترین، خوشام‌ترین و وجه‌المله‌ترین نخبگان سیاسی این کهن دیار را نیز بر مسند آن بنشیناند، بعید است که با نهاد‌های موازی قدرتمند و برخی محدودیت‌های تعبیه شده در ساختار قانون، شکوفایی دموکراسی را برآیند آنچه که در دیگر ممالک توسعه یافته دیده‌اید، مشاهده نمایند. به همین منظور انتظار از نخبگان سیاسی (به مثابه نجات بخشان جامعه از لویاتان قدرت) تا آن هنگام که تعهد به سازه‌های دموکراتیک، نه در صورتی خوش رنگ و لعاب ظاهری برای ابراز تعهدی ساختگی به روند‌های دموکراتیک، بلکه در التزام عمیق نخبگان و ساختارهای سیاسی به فراگیر نمودن بسترهای دموکراسی واقعی در ایران محقق نشود، انتظاری غیرواقع‌بینانه و خام‌اندیشانه خواهد بود.